

## حقوق جزائی

تبدیل بجنایت میکند. چه آنکه هر يك از اقسام کیفیات مشدده را که نظر کنیم میبینیم وجود کیفیات مزبور موجب آن نمیشود که در نوع جرم تغییری حاصل شده و ماهیت آن عوض شود. برای ساده شدن موضوع صور مهم کیفیات مشدده را ذیلاً مطالعه میکنیم:

- ۱ - کیفیات مشدده حاصله از تکرار جرم.
- ۲ - کیفیات مشدده قانونی.
- ۳ - کیفیات مشدده قضائی.

در مورد اول یعنی در موردیکه مجازات مجرم بر اثر تکرار تشدید شود هر قدر هم که مجازات کمأ تشدید شده باشد تأثیری در کیفیت جرم نخواهد داشت.

مثلاً هرگاه شخصی که سابقه یک فقره سرقت عادی دارد مرتکب سرقت عادی دیگری شود، مجازات او طبق فقره ۱ از ماده ۲۵ اصلاحی ممکن است چهار سال حبس تأدیبی (که دو برابر حداکثر جرم دوم است) مقرر شود. در اینجا ملاحظه میکنیم که مدت مجازات هر چند که تا دو برابر بالا رفته ولی نوع جرم که جنحه است تغییر نکرده و جنحه باقی میماند. این ترتیب در موردی هم که میزان مجازات بر اثر تکرار تا سه برابر علاوه شده یا درجه آن تشدید گردد (باستثنای مواردیکه قانون خلاف آنرا تصریح کرده است) باز صدق میکند. نتیجه آنکه در مورد تکرار جرم وجود کیفیت تکرار که از جمله کیفیات مشدده است نوع جرم را تغییر نمیدهد.

اما در مورد دوم یعنی در مورد کیفیات مشدده قانونی، قانون مجازات عمومی، مجازات بعضی از جرائم را که عادتاً جنحه است، بر اثر وجود کیفیات مشدده، جنائی قرارداده است. مثلاً سرقت که در موارد عادی مجازات آن دو سال حبس تأدیبی است در مواردیکه مقرون بکیفیات مشدده باشد مجازات آن بحبس دائم با اعمال شاقه ترقی میکند و نیز

۱۷۷ - کیفیات مشدده قضائی و کیفیات مشدده قانونی ممکن است که جرم مقرون بهیچیک از کیفیات مشدده که قانون در موارد مختلف بآنها اشاره کرده و وجود آنها را موجب تشدید مجازات قرار داده نباشد، ولی در نحوه ارتکاب جرم کیفیاتی وجود داشته باشد که قاضی را متمایل بانتخاب حد اکثر مجازات در حق مجرم بنماید. بعبارة دیگری ممکن است کیفیاتی که جرم مقرون با آنها است، در قانون مجازات عمومی، عنوان خاصی نداشته باشد، ولی چون مقنن برای هر جرمی حداقل و اکثری معین کرده است، اوضاع و احوال طوری باشد که قاضی بعداً کثر مجازات در حق مجرم حکم دهد. مثل اینکه مثلاً مجرم با قساوت قلب مرتکب قتل نفس شده یا در ارتکاب جرم مقاصد پستی را تعقیب کرده باشد و غیره. در این موارد انتخاب حداکثر مجازات در حق مجرم برای وجود کیفیات مشدده ایست که آنرا میتوان قضائی نامید.

بالعکس هرگاه کیفیات مشدده در قانون عنوان خاصی داشته باشد، بنحوی که هرگاه جرم مقرون با آنها شود بحکم قانون، باید مجازات شدیدتر در حق مجرم تعیین گردد، آنرا کیفیات مشدده قانونی نامند. مثل مورد ماده ۲۲۲ و ماده ۲۲۶ و مقررات هفت گانه مذکور در ماده ۲۰۷ و مواد دیگر.

۱۷۸ - کیفیات مشدده ماهیت و نوع جرم را تغییر نخواهد داد - ممکن است تصور شود که وجود کیفیات مشدده همانطور که میزان مجازات را بالا میبرد ماهیت و نوع جرم را نیز تغییر داده و جرمی را که از درجه جنحه است کامی تبدیل بجنایت مینماید و بالنتیجه آناری که بر جرائم جنائی مترتب است بر جنحه نیز جاری میسازد.

این تصور بنظر ما صحیح نیست و نمیتوان ادعا کرد که کیفیات مشدده ماهیت جرم را تغییر داده و جنحه را

## فصل دوم

## کیفیات مخففه

۱۷۹ - کیفیات مخففه موجباتی است که هرگاه جرم مقرون با آنها باشد مجازات تخفیف پیدا کرده یا مجرم از مجازات معاف میشود کیفیات مزبور در دو قسم است:

۱ - معاذیر قانونی .

۲ - معاذیر قضائی یا کیفیات مخففه بمعنی اخص .

معاذیر قانونی کیفیاتی است که قانون صراحتاً آنها را پیش‌بینی کرده و تصریح میکند - مثل صغرسن که بموجب قانون مجرم صغیر بتماسب ادوار سن جزائی ممکن است از مجازات معاف شده یا میزان آن در حق او تخفیف پیدا کند .

معاذیر قضائی بالعکس کیفیاتی است که قانون نسبت بآنها صراحتی ندارد بلکه فقط قضاة میتوانند در صورتیکه اوضاع و احوال قضیه را مقتضی تخفیف بدانند و رعایت حال مجرم را لازم تشخیص دهند میزان مجازات را تا حدودیکه قانون پیش‌بینی کرده یابین آورند .

هر يك از این دو قسم را مختصراً توضیح میدهیم .

## مبحث اول

## معاذیر قانونی

۱۸۰ - معاذیر قانونی ممکن است معاذیر معاف‌کننده

از مجازات باشد یا معاذیر تخفیف‌دهنده مجازات

۱۸۱ - الف - معاذیر معاف‌کننده از مجازات

معاذیری است که مجرم را مطلقاً از مجازات معاف میدارد؛ مثل مورد ماده ۱۷۹ قانون مجازات عمومی که بموجب آن هرگاه شوهری زن خود را بامرد اجنبی در يك فراش ببیند و مرتکب قتل شود از مجازات معاف است .

۱۸۲ - ب - معاذیر تخفیف‌دهنده مجازات معاذیری

است که مجازات مجرم را بکلی زائل نمیسازد ولی میزان آنرا تخفیف میدهد - مثل مورد ماده ۱۹۰ قانون مجازات

ماده ۲۰۸ که در مورد ارتکاب عمل منافی عفت غیر از هتک ناموس ، مرتکب را بجزای تأدیبی محکوم میکند ، هرگاه مرتکب از اقربای نسبی یا -بیبی یا قیم مجنی علیه بوده یا از کسان دیگری باشد که بند آخر قسمت الف ماده ۲۰۷ آنها را تعداد کرده است ، مجازات او جنائی شده و تبدیل بدو تا پنج سال حبس مجرد میگردد .

در این مورد ( و موارد دیگری که قانون مجازات عمومی جرم را جنائی تشخیص و مجازات آنرا از جمله مجازات های جنائی مقرر داشته ) هر چند جرائمی که عادتاً از درجه جنحه است تبدیل بجنایت شده ، ولی این تبدیل بحکم قانون است یعنی مقنن این قبیل جرائم را جنایت شناخته و برای آنها مجازات جنائی مقرر داشته است - بنا بر این در این قبیل موارد نیز میتوان ادعا کرد که مجرد وجود کیفیات مشدده ، ماهیت جرم را تغییر داده است ، بلکه باید گفت مقنن جرائم مقرون باین قبیل کیفیات را از نوع جنایت تشخیص داده و مجازات آنها را جنائی مقرر داشته است .

بلاخره در مورد سوم ، یعنی در موارد کیفیات مشدده

قضائی ، هر چند که در صورتیکه جرم مقرون بکیفیاتی باشد که بنظر قاضی تشدید مجازات لازم باشد قاضی میتواند مجازات مجرم را تا حد اکثر مجازات مقرر در قانون ترقی دهد ولی بهیچوجه از حد اکثر مزبور نمیتواند تجاوز نماید - و چون عادتاً قانون حد اکثر مجازات جرمی را که حد اقل آن از درجه مجازاتهای تأدیبی باشد از درجه جنایت قرار نمیدهد بنابراین تصویر موردی که بر اثر وجود کیفیات مشدده قضائی ماهیت جرم تغییر کرده و جرمی که از درجه جنحه است تبدیل بجنایت شود معقول نیست - و فرضاً هم که مواردی تصویر شود که قاضی بتواند با اجازه قانون حد اکثر مجازات جرم جنحه را از جمله مجازاتهای جنائی قرار دهد باز هم ماهیت جرم تغییر نکرده و آثار جنایت بر آن جرم مترتب نخواهد شد .

عمومی که مجازات شخصی را که در مقام حفظ و دفاع از مال بود در مقابل سارق مرتکب جرمی شده است بترتیبی که بماده ۱۹۱ تعیین شده قابل تخفیف دانسته ، یعنی هرگاه جرم مرتکب مستوجب اعدام یا حبس دائم با اعمال شاقه باشد مجازات حبس تأدیبی از یکسال تا سه سال برای او مقرر میشود و هرگاه مستوجب حبس غیردائم بوده حبس تأدیبی از ششماه الی دوسال خواهد داشت و اگر تقصیر او فقط جنبه اش از يك الي ششماه حبس خواهد شد .

۱۸۳ - آیا معاذیر تخفیف دهنده میتوانند جرائم جنائی را تبدیل بجنبه کنند؟ - چنانکه در مثال فوق دیدیم وجود معاذیر تخفیف دهنده مجازات کسی را که مستوجب اعدام یا حبس مؤبد با اعمال شاقه یعنی مجازاتهای جنائی باشد تبدیل بحبس تأدیبی از یکسال تا سه سال مینماید - با این تبدیل آیا عنوان جنایت هم بجنبه تبدیل خواهد گردید؟ و آیا جرم جنائی تبدیل به جرم از درجه جنبه خواهد شد؟

بعضی ها معتقدند که تخفیف مجازات نمیتواند تغییری در ماهیت جرم دهد . هر جرمی عوامل تشکیل دهنده دارد که تخفیف مجازات تأثیری در عوامل مزبور نخواهد داشت . بنابراین هرگاه جرم ارتکاب یافته از نظر عوامل و ارکان جنائی باشد مجازات آن که بنا بمقتضیاتی تخفیف پیدا کرده ماهیت جرم را تبدیل بجنبه نخواهد کرد .

بعقیده بعض دیگر باید بین معاذیر قضائی و قانونی از اینجهت فرق گذاشت - در مورد معاذیر قانونی چون مجازات جرم را قانون کمتر از موارد عادی تعیین کرده است ( مثل اینکه ماده ۱۹۱ جرم قتل نفس را از یکسال تا سه سال حبس تأدیبی بیشتر مجازات میدهد ) بنا بر این همانطوریکه در مورد صفرسن ، جنایات اطفال تبدیل بجنبه شده و مجازات جنبه در حق آنها مجری میشود ، در معاذیر قانونی نیز قانون جنایت را تبدیل بجنبه کرده و جرم جنایت را بمجازات جنبه مجازات میدهد . پس در مورد معاذیر قانونی نه تنها مجازات

جنائی بمجازات جنبه تبدیل میشود بلکه عنوان جرم هم از جنایت بجنبه تبدیل میگردد .

بالعکس در مورد معاذیر قضائی بنظر طرفداران عقیده اخیر تبدیل مجازات موجب تبدیل ماهیت جرم نمیشود ، باینمعنی که در معاذیر قضائی چون تشخیص وجود کیفیات مخففه بنظر قاضی وا گذار شده است هرگاه قاضی بوجود کیفیات مخففه نظر اتخاذ کند مجازات را میتواند تخفیف دهد ولی این تخفیف بهیچوجه ماهیت جرم را تغییر نمیدهد یعنی جرم همان جنایت باقی میماند و آثار جنائی بر آن مترتب نمیشود .

بدیهی است قبول هر يك از این دو نظریه آثار و نتایج متفاوت دارد یعنی همان تفاوتهاییکه از نظر جزائی بین جنایت و جنبه وجود دارد و آثاری که بر هر يك از این دو نوع جرم از حیث مرور زمان و اعاده حیثیت و تکرار جرم و غیره مترتب میباشد ، در این مورد نیز جریان داشته و اگر جنایات مقرون بکیفیات مخففه را جنبه فرض کنیم باید تمام آثار مزبور را نیز در حق آن جاری بدانیم .

۱۸۴ - معاذیر عمومی و اختصاصی - از طرف دیگر معاذیر قانونی را میتوان بمعاذیر عمومی و معاذیر اختصاصی تقسیم نمود ،

معاذیر عمومی آنهایی هستند که اختصاص بیک جرم معین ندارند بلکه در هر جرمی که یافت شوند مجازات را از بین برده یا تخفیف میدهند مثل صفرسن که مجرم چنانکه سابقاً دیدیم تا سن معینی اصلاً مجازات نمیشود و از سن ۱۶ تا ۱۸ سالگی نیز هرگاه مرتکب جنایت شود از یکسال تا پنج سال در دارالتأدیب حبس میشود و اگر مرتکب جنبه شود بمجازاتاتی که از نصف حداقل مجازات همان جرم کمتر و از نصف حد اکثر آن بیشتر نباشد محکوم میگردد .

معاذیر اختصاصی آنهایی هستند که عمومیت نداشته بلکه اختصاص بجرم معین دارند - مثل مورد ماده ۱۷۹ قانون مجازات عمومی که بموجب آن هرگاه شوهر زن خود را

با مرد اجنبی در يك فراش یا درحالی که بمنزله وجود يك فراش است به بیند و مرتکب قتل زن خود یا مرد اجنبی شود از مجازات معاف است - همچنین قسمت آخر ماده مزبور که هرگاه کسی دختر یا خواهر خود را با شرایطی که در ماده مذکور است با مرد اجنبی به بیند و مرتکب قتل شود مجازات او تخفیف مییابد .

علت معافیت از مجازات یا تخفیف آن در این مورد خشم و غضبی است که مشاهده جرم در مجرم ایجاد کرده و او را از حال طبیعی و اعتدال خارج ساخته است - بهمین جهت است که مجرم در این موارد فقط وقتی از مجازات معاف خواهد شد یا مجازات او تخفیف پیدا خواهد کرد که بلافاصله مرتکب جرم بشود . بنا بر این هرگاه شخصی مدتها پس از مشاهده جرمی که ارتکاب آن او را از حال طبیعی خارج کرده و غضبناک ساخته است مرتکب جرم شود، بنحوی که عرفاً نتوان گفت مجرم تحت تأثیر خشم و غضب بوده ، بلکه بالعکس با حالت خونسردی و بمنظور تلافی و اطفاء حس کینه جوئی خود مبادرت بقتل نفس نماید نمی توان او را مشمول مقررات ماده ۱۷۹ دانست .

## مبحث دوم

### معاذیر قضائی

۱۸۵ - معاذیر قضائی بخلاف معاذیر قانونی بموجب قانون تصریح نشده بلکه از طرف مقنن بقاضی اختیار داده شده است که علل مختلفی را که در درجه مسئولیت مجرم و میزان مجازات او ممکن است تأثیر داشته باشد در نظر گرفته و با رعایت آن ها مجازات فاعل عمل را تعیین کند .

موجبات مذکور متنوع است و نمیتوان آنها را احصاء کرد از آنجمله است جوانی و بی تجربه گی مجرم یا پیری و ضعف قوا که تأثیر در روحیه مجرم داشته باشد و ندانمیت و پشیمانی او و معیل و عامی بودن و عدم توجه بمواقب عمل و

عفو مدعی خصوصی و غیره .

قاضی میتواند از مجموع اوضاع احوال استفاده کرده و بدون آنکه کیفیت معینی را در نظر بگیرد مجموع اوضاع و احوال مزبور را که بنظر او مؤثر در میزان مجازات مجرم است موجب تخفیف مجازات قرار دهد .

### ۱۸۶ - در مورد چه جرمی کیفیات مخففه موجب

تخفیف مجازات میشود - وجود کیفیات مخففه ممکن است در جنحه و جنایت موجب تخفیف مجازات شود - ماده ۴۳ قانون مجازات عمومی میگوید ( هیچ جنایت یا جنحه را نمیتوان عفو نمود و با مجازات آن را تخفیف داد مگر در مواردیکه قانون آنرا قابل عفو دانسته یا در مجازات آن تخفیفی داده است ) - بنا بر این تخفیف در امور خلافی مورد پیدا نمی کند .

حال باید دید قانون در چه حدودی تخفیف را قبول کرده است ؟ بدیهی است تخفیفی را که قاضی بوسیله و جرد کیفیات مخففه در حق مجرم رعایت میکند باید در حدود قانون باشد یعنی قاضی نمیتواند از میزانیکه قانون در مورد تخفیف قائل شده یائین ترییابد . ماده ۴۴ در مورد جنایات حدود مزبور را تعیین کرده میگوید هرگاه اوضاع و احوال قضیه مقتضی تخفیف باشد هیئت حاکمه میتواند مجازاتهای جنائی را بطریق ذیل تخفیف دهد :

- ۱ - اعدام بحبس دائم یا موقت با اعمال شاقه
  - ۲ - حبس دائم با اعمال شاقه بحبس موقت با اعمال شاقه یا حبس مجرد .
  - ۳ - حبس موقت با اعمال شاقه بحبس مجرد یا حبس تأدیبی که کمتر از دو سال نباشد .
  - ۴ - حبس مجرد بحبس تأدیبی که کمتر از شش ماه باشد .
  - ۵ - تبعید با اقامت اجباری یا ممنوعیت از اقامت در نقطه یا نقاط معین .
  - ۶ - محرومیت از تمام حقوق اجتماعی ببعض آن .
- نا تمام دکتر سمعی